

■ مقام علمی خواجه نصیر آن قدر است که به جای تولید علم بشری باید بگوییم تمدن بشری تولید می‌کرد؛ بنابراین روز پنجم اسفندماه در تقویم رسمی ایران به یاد دانشمند بزرگ ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان روز مهندس به ثبت رسیده است.

سال ۵۷۹ شمسی به دنیا آمد و تا زنده بود، کار علمی کرد و ۱۹۰ کتاب و مقاله نوشت در ریاضیات و نجوم و فلسفه و عرفان و منطق و اخلاق و فقه و طب و علوم غریبه و تفسیر قرآن کریم. خواجه از آن دسته دانشمندان بزرگی است که امروزه به «همه‌چیزدان» معروفند و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، فیلسوف و متکلم و فقیه و مهندس و معمار و منجم و پزشک و ریاضی‌دان و عارف و شاعر و استاد اخلاق بود.

سده هفتم هجری بدون شک سخت‌ترین ایام تاریخ ایران محسوب می‌شود، چون این سده مصادف با یکه‌تازی و حمله بی‌رحمانه قوم مغول بر بلاد اسلامی به ویژه ایران است، آنها خرابکاری‌ها، قتل و غارت را به نهایت رسانیدند اما با وجود این حمله و نابودی بسیاری از مراکز علمی و فرهنگی باید گفت که همین سده یکی از بهترین دورانی بود که آوازه نوایغ و بزرگان علم، حکمت، تاریخ، نقاشی و شعر ایران جهانی شد از جمله بزرگان و نوایغ این دوران می‌توان به مولوی بلخی، شیخ سعدی، خواجه رشیدالدین فضل‌ا[] همدانی، عطاملک جوینی، حمدا[] مستوفی و خواجه حافظ شیرازی اشاره کرد، همچنین باید اذعان کرد که در این دوران بی شک برجسته‌ترین نماینده حکمت، ریاضی و اخلاق خواجه ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن طوسی ملقب به استاد بشر بود. بنابراین در روزگاری که شمشیر تاتار و مغول، خاندان‌های کوچک و بزرگ را از هم پاشیده و دنیا از هجوم مغول‌ها به وحشت فرورفته و فساد و کساد دانش حکم فرما بود، ظهور چنین دانشمندی مایه حیرت همگان بود.

ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی، مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی در یازدهم جمادی الاول ۵۹۷ قمری (۵ اسفند ۵۷۹ خورشیدی) در طوس خراسان دیده به جهان گشود. وی دروس مقدماتی چون خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی و فارسی، معانی و بیان و مقداری از علوم منقول مانند حدیث و ... را نزد پدر روحانی خودش محمد بن حسن طوسی آموخت، سپس دوره‌های عالی تحصیل خود را در نیشابور گذراند. در نیشابور بود که پس از پایان تحصیلات به عنوان دانشمندی نامدار شهرت یافت. خواجه بعد از گذراندن دوره سطح عالی در نیشابور و برای ادامه تحصیل به ترتیب به ری، قم، اصفهان و سپس به عراق مهاجرت کرد در عراق علم فقه را فراگرفته و موفق به اخذ درجه اجتهاد شد. این دانشمند برجسته پس از مدتی برای فراگیری نجوم و ریاضی به موصل رفت و بعد دوباره به ایران بازگشت و به عنوان دانشمندی سرشناس مشهور شد. جرجی زیدان تاریخ نگار برجسته لبنانی درباره این اندیشمند چنین می‌نویسد: علم و حکمت به دست این ایرانی در دورترین نقطه‌های بلاد مغول رفت تو گویی نور تابان بود در تیره شامی. همچنین از او به عنوان مشهورترین علما و مؤلفین این عصر یاد می‌کنند.

خارجی‌ها هم قدرش را فهمیدند

آن قدر دانشمندان زمانه، دور خواجه نصیرالدین جمع شدند در مراغه که دانشگاه شد مراغه و یک کتابخانه هم داشت از آن کتابخانه‌ها که شهرتش در تاریخ مانده است. خواجه بزرگوار ما آن قدر کارهای مهم علمی کرده که خارجی‌هایی هم که اهل بینش و دانش هستند، قدرش را می‌دانند و نامش را می‌دانند و البته فرانسوی‌ها زودتر از همه قدرش را شناختند و کتاب مثلثاتش را در قرن ۱۶ میلادی ترجمه کردند تا سر در بیاورند از نبوغ این ایرانی و نابغه دوران‌ها. آوازه‌اش نه فقط تا آن سوی زمین که تا آسمان هم رفته است و یک دهانه برخوردی بزرگ در نیمکره جنوبی ماه را به نامش کرده‌اند؛ «Nasireddin».

حضور خواجه نصیر در قلعه‌های اسماعیلیان

خواجه نصیرالدین طوسی، پس از حمله مغولان به ایران و بروز ناآرامی خصوصاً در منطقه خراسان، مدتی در شهرهای مختلف سرگردان بود تا آنکه به دعوت ناصرالدین، فرمانروای قلعه‌های اسماعیلیان در خراسان، به قهستان رفت. قلعه‌های اسماعیلیان، تنها نیروی مقاوم در برابر حملات مغولان دانسته شده است. در وضعیتی که شهرهای خراسان و نیشابور به طور کامل به دست مغولان افتاده بود، این قلعه‌ها سال‌های طولانی مقاومت کردند و تسلیم مغولان نشدند.

خواجه نصیر، پس از حمله دوم مغولان به فرماندهی هلاکو و تسلیم شدن قلعه‌های اسماعیلیان، به دربار هلاکو راه یافت. این اندیشمند بزرگ بدون آنکه قدرت انتخاب داشته باشد، با هلاکو همراه شد و در حالتی که مقاومت در برابر نیروی مهاجم، نه از سوی مردم و نه از سوی حکومت امکان‌پذیر نبود، تلاش کرد از میراث اسلامی که در معرض نابودی بود محافظت کند و به سبب اقدامات او بود که در نهایت پس از مدتی مغولان به اسلام گرویدند. خواجه طوسی در حمله هلاکو به بغداد در سال ۶۵۵ قمری همراه او بوده است.

تاسیس رصدخانه و کتابخانه مراغه

خواجه نصیرالدین طوسی پس از فتح بغداد توسط هلاکو، ساخت یک رصدخانه را به او پیشنهاد داد؛ با این توجیه که او با توجه به دانشی که در نجوم دارد، می‌تواند با کمک رصد ستارگان، سلطان را از وقایع آینده، مدت عمر و نسل او آگاه سازد. این

پیشنهاد مورد پسند هلاکو فرار گرفت و ساخت آن از سال ۶۵۷ ق آغاز شد.

خواجه نصیر، رصدخانه مراغه را محلی برای جمع کردن تعداد زیادی از دانشمندان آن زمان قرار داد و بدین گونه آن‌ها را از کشته‌شدن رهایی بخشید و نیز تلاش زیادی برای جمع‌آوری تعداد زیادی از کتاب‌ها و حفظ آن‌ها کرد. کار ساخت رصدخانه تا پایان عمر خواجه به طول انجامید و زیچ به دست آمده از این رصدخانه، زیچ ایلخانی نام گرفت.

خواجه طوسی همچنین کتابخانه بزرگی در محل رصدخانه مراغه احداث نمود و به فرمان هلاکو بسیاری از کتاب‌های نفیس و سودمندی که از بغداد، دمشق، موصل و خراسان غارت شده بود، به آن انتقال یافت. خود خواجه نیز مأمورانی به اطراف بلاد می‌فرستاد که هر جا کتاب‌های علمی بیابند خریداری کنند و برای او بفرستند و خود هر کجا به کتاب مفید و نفیسی برمی‌خورد و در مسافرت‌ها به نظرش می‌رسید، را می‌خرید. به عقیده برخی از مورخان، حدود ۴۰۰ هزار کتاب در کتابخانه مراغه گرد آمده بود. در کتابخانه رصدخانه مراغه، انواع کتاب از زبان‌های چینی، مغولی، سنسکریت، آشوری و عربی به زبان فارسی ترجمه شد و در دسترس طالبان علم و دانشمندان رصدخانه قرار گرفت. این رصدخانه در حقیقت مرکز علمی‌ای بود که در آن، علوم مختلف زمان، مثل ریاضیات، نجوم و علوم طبیعی، تحقیق و تدریس می‌شد.

خواجه‌ی همه چیزدان

خواجه نصیر طوسی را در علم، همتای بوعلی سینا دانسته‌اند؛ با این تفاوت که ابن سینا در طب سرآمد بود و خواجه نصیر در ریاضیات. برخی معتقدند دفاع خواجه نصیرالدین طوسی از ابن سینا در برابر انتقادات فخر رازی، در کتاب شرح اشارات، موجب احیای فلسفه در آن عصر شده است. هم‌چنین خواجه نصیر را مبتکر روش فلسفی در کلام شیعه دانسته‌اند. بر اساس برخی پژوهش‌های معاصر، خواجه نصیر طوسی، از یک سو شارح و مکمل فیلسوفان و دانشمندان پیش از خود بوده، و از سوی دیگر سرمشق دانشمندان پس از خود شده است.

خواجه طوسی از جمله دانشمندانی است که با تمام نبوغ و تبحری که در علوم داشته گاهی نیز اشعاری می‌سروده است. اشعار او اکثراً مضامین فلسفی و عرفانی و نجومی و اخلاقی دارد.

نصیرالدین طوسی احیاگر فلسفه و مبتکر روش فلسفی در کلام شیعه دانسته شده است. برخی از علمای بزرگ شیعه که شاگرد وی بوده‌اند، عبارت‌اند از علامه حلی، ابن میثم بحرانی و قطب‌الدین شیرازی.

عناوین و القاب

در محافل علمی اروپا، خواجه نصیرالدین طوسی را با عنوان «الطوسی» معرفی و برای ارجاع به کارنامه علمی و موارد مربوط به زندگی او از همین عنوان استفاده می‌کنند. این در حالی است که عناوین و القاب استفاده شده برای او توسط عالمان و نویسندگان فارس و عرب بسیار متنوع است. «استادالبشر»، «عقل حادی‌عشر»، «خواجه کائنات»، «محقق طوسی»، «خواجه طوسی»، «سلطان‌الحکما و العلما و المحققین»، «سلطان‌الحکما»، «نصیرالمله و الدین» و «عقول عشره» از جمله این القاب هستند. عنوان «عقل حادی‌عشر» را علامه حلی، از شاگردان خواجه به او داده است. «معلم ثالث» از معروف‌ترین القاب خواجه نصیرالدین به شمار می‌آید. شایان توجه است که معلم اول «ارسطو» و معلم ثانی «فارابی» است.

منش و خصائل وی

خواجه نصیرالدین طوسی، علاوه بر چهره علمی، از مروجان با صلابت اخلاق است. وی، نسبت به آثار بازمانده از بزرگان پیش از خود مانند «ابوعلی سینا»، «فارابی»، «ابوعلی مسکویه» و «جلال‌الدین دوانی»، تفکر انتقادی، سرشار از خلاقیت و سازنده داشته و دستاوردهای پیشینیان را با دقت، استدلال و دانش خود آمیخته است. کتاب‌های «اخلاق ناصری» و «اوصاف‌الاشرف» به آموزش‌های اخلاقی و دیدگاه‌های او در حوزه اخلاق و تهذیب نفس می‌پردازند.

شاگردان خواجه نصیر که همه به نوبه خود از چهره‌های عالم و فاضل دوران خود محسوب می‌شوند، همه بر حسن خلق و بزرگ‌منشی خواجه تاکید داشته‌اند. علامه حلی در همین رابطه گفته است:

و کان اشرف من شاهدناه فی الاخلاق نورا □ ضریحه

(او در اخلاق برترین کسی بود که من دیده بودم، نور خدا بر تربیت او باد.)

شاگرد دیگر خواجه، ابن‌الفواصی که سال‌ها نزد وی به سر می‌برده، درباره این بزرگمرد چنین می‌گوید:

خواجه مردی فاضل و کریم‌الاخلاق و نیکوسیرت و فروتن بود. هیچ‌گاه از درخواست کسی دلتنگ نمی‌شد و حاجتمندی را رد نمی‌کرد و برخورد او با همه به خوشرویی بود.

در باب فروتنی خواجه نصیر

در باب فروتنی و تواضع خواجه نصیرالدین طوسی، حکایات و مطالب بسیاری موجود است. حکایت زیر به نقل از کتاب «احوال

و آثار خواجه نصیرالدین»، در باب فروتنی و تواضع او آمده است:

وقتی شخصی به خدمت خواجه آمد و نوشته‌ای از دیگری تقدیم وی کرد که در آن نوشته به خواجه بسیار ناسزا گفته و دشنام داده شده، او را «کلب‌بن‌کلب» (سگ فرزند سگ) خوانده بود. خواجه در برابر ناسزاهای وی با زبان ملاطفت‌آمیزی او را در جواب گفت و فرمود: اینکه مرا سگ خوانده درست نیست؛ چه سگ از جمله چهارپایان و عوعو کننده و پوستش پوشیده از پشم، با ناخن دراز باشد و این صفات در من نیست. قامت من راست و تم بی‌موی و ناخن پهن و ناطق و خندانم. آنچه در من است متناقض است با آنچه صاحب نامه درباره من گفته است.

تألیف بیش از ۱۸۰ کتاب و رساله علمی

خواجه نصیرالدین طوسی بیش از ۱۸۰ کتاب و رساله علمی در موضوعات متفاوت نوشته است. برخی محققان معتقدند که با توجه به زندگی اجباری وی در قلعه‌های اسماعیلیان، بسیاری از کتاب‌های او در وضعیت بد معیشتی نوشته شده است. خواجه نصیر، در مقدمه شرح اشارات، از رنج فراوان و غم روزافزونش هنگام تألیف کتاب نوشته است.

این دانشمند برجسته شیعه نویسنده کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم است. «اخلاق ناصری»، «اوصاف الاشراف»، «اساس الاقتباس»، «شرح الاشارات»، «تجرید الاعتقاد»، «جامع الحساب» و کتاب مشهور «زیج ایلخانی» و «تذکره فی علم الهیة» در علم نجوم، از آثار مهم و مشهور او هستند.

اساتید خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیر در محضر اساتید بزرگ دوران خود به کسب علم و معرفت پرداخته است. از جمله اساتید او، می‌توان به «فریدالدین داماد نیشابوری»، فیلسوف و اخترشناس اشاره کرد. فریدالدین از شاگردان صدرالدین سرخسی و به سه واسطه شاگرد ابن سینا و همچنین از راویان فخر رازی بوده است. خواجه نصیر، «اشارات شیخ» و «علوم حکمیه» را در محضر فریدالدین داماد فراگرفته و بنابراین با پنج واسطه شاگرد ابن سینا محسوب می‌شود.

از دیگر اساتید خواجه نصیر می‌توان از «قطب‌الدین مصری» پزشک مصری مغربی‌الاصل نام برد که خود از شاگردان امام فخر رازی است. گفته می‌شود که خواجه نصیر، قانون بوعلی را نزد قطب‌الدین آموخته است. «کمال الدین ابن یونس موصلی»، ریاضی‌دان، فقیه شافعی مذهب، پزشک، فیلسوف و منطق‌دان از دیگر اساتید خواجه نصیر بود. از دیگر اساتیدی که خواجه نصیرالدین نزد آن‌ها به فراگیری پرداخت، باید به «معین‌الدین سالم بن بدران» اشاره کرد که خواجه، قسمت‌هایی از کتاب «غنیة النزوع» را نزد او فراگرفته و در سال ۶۱۹ اصطلاحاً از نزد این استاد مجاز شد. اجازه خواجه نصیرالدین در پشت کتاب غنیه که متعلق به خود او بود همچنان باقی است و تصویر آن در کتاب «اجازات بحار الانوار» از علامه مجلسی و برخی از دیگر کتب نیز آمده است.

خواجه نصیرالدین طوسی همراه با «سید علی بن طاوس حسینی» و «شیخ میثم بحرانی»، از شاگردان شیخ «ابولسعادت اصفهانی» بوده‌اند. روایت‌هایی نیز وجود دارد که خواجه نزد ابن میثم به تحصیل فقه پرداخته و ابن میثم نزد خواجه به یادگیری حکمت پرداخته است. در برخی منابع، از دیگر چهره‌های سرشناس آن دوران نیز به عنوان اساتید خواجه نصیر نام برده شده است که البته صحت برخی از آن‌ها مورد تردید است.

دفن در حرم کاظمین

خواجه نصیر در حالی در ماه ذی‌الحجه سال ۶۷۲ ق درگذشت که برای سامان دادن به امور اوقاف و دانشمندان، در بغداد به سر می‌برد. او بنا به وصیت خود در حرم کاظمین دفن شد. او همچنین وصیت کرده بود که روی قبرش اشاره‌ای به ویژگی‌های علمی‌اش نشود و فقط این آیه قرآن را از سوره کهف بنگارند: «و کَلَّمَهُمْ بَاسِطًا ذِرَاعِيَهُ يَالْوَصِيدَ» «و سگشان (به حالت پاسبانی) دو دست خویش بر درگاه (غار) گشاده بود».

امام خمینی (ره) درباره روش خواجه نصیرالدین بسیار روشن و موجز فرموده‌اند: «شما می‌دانید این را که خواجه نصیر که در این دستگاه‌ها وارد می‌شد، نمی‌رفت وزارت کند؛ می‌رفت آن‌ها را آدم کند. نمی‌رفت که برای این‌که در تحت نفوذ آن‌ها باشد. می‌خواست آن‌ها را مهار کند تا آن اندازه‌ای که بتواند. کارهایی که خواجه نصیر برای مذهب کرد، آن کارهاست که خواجه نصیر را خواجه نصیر کرد؛ نه طلب خواجه نصیر و نه ریاضیات خواجه نصیر. آن خدمتی که به اسلام کرد. خواجه نصیر که رفت در دنبال هلاکو و امثال آن‌ها لیکن نه برای این‌که وزارت بکند، نه برای این‌که خودش یک چیزی درست کند. او رفت آن‌جا برای این‌که آن‌ها را مهار کند؛ و آن قدری که قدرت داشته باشد، خدمت بکند به عالم اسلام و خدمت به الهییت بکند.»